

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اسفند ماه ۱۳۸۸ مارس ۲۰۱۰

شماره ۴۴

toufan@toufan.org www.toufan.org



فرخنده باد ۸ مارس، روز همبستگی بین المللی زنان علیه ستم جنسی و طبقاتی
ص. ۲

نه، جسورانه مردم به حکومت نظامی در ۲۲ بهمن ص. ۳

سرنوشت غم انگیز عبدالمالک ریگی رهبر جندالله ص. ۵

منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران ص. ۶

نزدیکی شب عید و بلایی به نام گرانی ص. ۸

یادی از رفیق توفیق ادیب سمبل مقاومت ص. ۹



سوء قصد به جان منصور اسالو را به شدت محکوم می کنیم ص. ۱۱

به مناسبت درگذشت کارگرمبارز یدالله خسروشاهی ص. ۱۲

در حاشیه بحران یونان ص. ۱۳



فراخوان حزب کارایران (توفان) به احزاب بین المللی در دفاع از حقوق کارگران ایران
ص. ۱۵

فرخنده باد ۸ مارس، روز همبستگی بین المللی زنان علیه ستم جنسی و طبقاتی

امسال در شرایطی به استقبال هشت مارس، روز همبستگی بین المللی زنان می رویم که زنان قهرمان ایران به ویژه دختران جوان در نبرد علیه جمهوری زن ستیز اسلامی پیشگام بودند و در سنگر مبارزه حماسه آفریدند. هیچ اقدام جنایتکارانه و بربرمنشانه‌ای نتوانست مانع به خیابان آمدن زنان مبارز ایران و فریاد آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنها گردد. رژیم از ترس گسترش مبارزات زنان و شکل کاملاً زنانه گرفتن اعتراضات خیابانی به وحشت مرگ افتاد و برای مرعوب کردن زنان دست به کشتار و شکنجه و تجاوز و حشیانه زد. تجاوز جنسی به ترانه موسوی و سوزاندن پیکرش، شلیک گلوله به سوی ندا آقا سلطان و به خاک افکندن وی و آزار و به بند کشیدن صدها زن مبارز دیگر همه نشان از هراس رژیم کثیف آخوندها از رشد و پیشرفت مبارزات زنان علیه نظام ضد بشر و مردسالار اسلامی است که لولای دریش بر تبعیض و ستم جنسیتی و استثمار و حشیانه طبقاتی می چرخد. تظاهرات‌های عظیم بعد از انتخابات تقابلی ۲۲ خرداد نشان داد که زنان ایران در انقلاب آینده و سرنوشتی جمهوری اسلامی نقش عظیم و تعیین کننده‌ای ایفا و مهر خود را بر جنبش آزادیخواهانه مردم ایران خواهند کوبید.

اما مقوله تبعیض زن در جامعه ایران در یک، دو و یا چند نکته خلاصه نمی شود. "موجود زن" از لحظه‌ای که متولد می شود تا هنگامی که رخت از جهان می بندد، باید در مورد بی اهمیت ترین مسئله روزمره گرفته تا مهم ترین چرخش‌ها در زندگی خصوصی و اجتماعی‌اش از "الگوی" اسلامی و شرعی‌اش که برایش بریده و دوخته‌اند، پیروی نماید.

زامداران و سخن پردازان عمامه بسر رژیم و نوجه‌های انات شان، هنوز تأکید دارند که اسلام والاترین مقام را به زن بخشیده است. آخر در کدام کشور جهان سراغ دارید که شخصیت‌ها و دولتمردان دست اول کشوری حتی در سطح ریاست جمهوری و رهبری کشور این همه به "الگوی" زن اهمیت بدهند و هم و غمشان بشود "حجاب برتر"، پوشش اسلامی، مقنعه، چادر، مانتوی اسلامی..... تو گوئی این مملکت هیچ مسئله و مشکل دیگری ندارد و حجاب شده است مسئله کلیدی و سمبل فرمانروائی نظام اسلامی که کوچک ترین انعطاف و نرمشی در رعایت آن، می تواند پایه‌های این نظام قرون وسطائی را بلرزاند. این دید که زن "بالقوه" سرچشمه گناه و فساد در جامعه و در نهایت به باد رفته ارزش‌های دینی و اخلاقی آن می تواند باشد و در نتیجه باید هویت و حقوق انسانی زن را صریحاً انکار کرد و در کفن سیاهش پیچید، را اسلام از یهودیان و مسیحیان به عاریه گرفته است. دشمنی ادیان چه یهودی و چه مسیحی و چه اسلام با زن تاریخ طولانی دارد. در دعای صبحگاهی مردان یهود ادا می شود: "شکر خدا را، پروردگار ما و پروردگار عالم را که مراهم چون زن نیافرید."

زنان ایران و به طور کلی زنانی که در جوامع اسلامی زندگی می کنند نه تنها در معرض نابرابری و تبعیض طبقاتی و پی آمدهای اجتماعی مترتب از آن قرار دارند، بلکه از آن نظر شایان توجه خاصی هستند که در سیستم و نظامی زندگی می کنند که بدون مبالغه بر "آپارتاید جنسی" استوار است. ستون‌ها و ارکان این آپارتاید جنسی بر قانون گذاری کشور، بر شرع اسلامی، بر نظام ولایت فقیه و بر فرهنگ و سنت‌های به شدت واپسگرایی فئودالی و مردسالاری بنا گردیده است. این روبنا و فرهنگ‌های پوسیده راملت‌های دیگر کوشیدند با انقلابات بورژوائی ۲۰۰ سال پیش به زباله دان تاریخ بسپارند. زمامداران عباپوش و عمامه بسر در کشور ما، پس مانده‌های فسیل شده آن را از اعماق قرون وسطا بیرون کشیده‌اند و اصرار دارند آن را به جامعه‌های حقه کنند که سیستم اقتصادی سرمایه‌داری شاخص روابط تولیدی آن می باشد. این ناسازگاری و تناقضات اجتماعی طبیعتاً در صحنه سیاست ایران نیز منعکس می گردد. رژیم برای حل این تناقضات چاره‌ای جز سرکوب زنان نمی بیند. درگیری‌های قهرمانانه خیابانی زنان ایران با لباس شخصی‌های آدمکش و نیروهای جنایتکار انتظامی و امنیتی در تظاهرات‌های ۱۳ آبان، روز دانش آموز، روز قدس، ۱۶ آذر، روز دانشجو، ۶ دی روز عاشورا و ۲۲ بهمن سی و یکمین سالگرد انقلاب، بازتاب سیاست سرکوب و ضد زن در طول ۳۱ سال حاکمیت ارتجاعی سیاه جمهوری اسلامی است و زنان ایران در اتحاد با هم‌زمان مرد پیگیرانه در جهت برافکندن رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و العای کلیه قوانین پوسیده و قرون وسطائی گام برمی دارند.

امسال در شرایطی روز جهانی زن فرا می رسد که در کشورهای پیشرفته و در حال رشد نیز زنان اولین قربانیان بحران و رکود اقتصادی بوده‌اند. وضع زنان در یونان و در سایر کشورهای بحران زده سرمایه‌داری و امپریالیستی و موقعیتشان در زمینه‌های روبنائی و زیر بنائی جامعه چون بهداشت و خدمات پزشکی، آموزش و پرورش، کار و حرفه، حقوق مدنی و جایگاه اجتماعی و سیاسی برابری و مساوات میان زن و مرد نه تنها جامعه عمل به خود نپوشیده است، بلکه گرایش به پسرفت نیز دارد. تعرض به حقوق زنان در جوامع پیشرفته صنعتی از ماهیت نظام سرمایه‌داری برمی خیزد. تاریخ نشان داد که سرمایه‌داری جهانی که با لباس ترقی و پیشرفت و با پرچم "برابری و آزادی" وارد صحنه تاریخ شد نتوانسته و نخواهد توانست مسئله زن را پاسخگو باشد. زن تنها در جامعه‌ای می تواند یک انسان و عضو برابر جامعه عرض اندام کند که مناسبات بهره کشی و استثمار در آن جامعه برافتاده و فرهنگ و سنت‌های واپسگرا جای خود را به فرهنگی بدهد که بستری باشد برای شکوفائی معنوی مردان و زنان. تنها با برانداختن جامعه طبقاتی می توان به این وضع پایان بخشید. آزادی زنان و تساوی کامل آنان با مردان جز با دست طبقه کارگر، جز در جامعه سوسیالیستی و در جریان ساختمان سوسیالیسم امکان پذیر نیست. آزادی واقعی زن در گرو پیروزی سوسیالیسم است.

زنده باد مبارزه متحد زنان

علیه رژیم زن ستیز و سرمایه داری جمهوری اسلامی!

حزب ما این روز تاریخی را به زنان شجاع ایران تهنیت می گوید و یقین دارد که زنان تحت ستم و مبارزر ایران با اتحاد و یکپارچگی نقش شایسته و تاریخی خود را در سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی و زدودن تمامی قید و بندهای سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری با سربلندی ایفا خواهند کرد و جزاین نیز نخواهد بود.

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

لغو فوری حجاب اجباری!

لغو فوری تبعیض جنسیتی و تمامی قوانین ارتجاعی ضد زن!

جدائی کامل دولت از دین و آموزش!

سرنگون باد رژیم زن ستیز سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

مارس ۲۰۱۰

www.toufan.org

toufan@topufan.org

* * * * *

نه، جسورانه مردم به حکومت نظامی در ۲۲ بهمن



مردم میهن ما در ادامه مبارزات درخشان و تحسین برانگیز ضد استبدادی و ضد رژیم ولایت فقیه که پس از کودتای انتخاباتی خرداد ماه ارکان نظام را به لرزه انداخت، در ۲۲ بهمن، سی و یکمین سالروز انقلاب بار دیگر به میدان آمد به رژیم منفور و ضد بشری جمهوری اسلامی نه گفت و باز هم به سرکرده این نظام فاسد و استبدادی، سید علی خامنه‌ای تف ریخت. روشن است که ابعاد توده‌ای اعتراضات خیابانی مردم در حد و اندازه تظاهرات‌های گذشته نبود و نمی توانست باشد. حکومت محکوم اسلامی چند هفته قبل از تظاهرات ۲۲ بهمن و با درس آموزی از تظاهرات شکوهمند عاشورا و ضربات ناشی از آن، دستگیری‌ها و بگیر و ببندهای گسترده‌ای را آغاز کرد. عده‌ای را به نام محاربه با خدا به دار آویخت، برخی را به صورت آشکار و پنهان ترور کرد، در عرصه جبهه اطلاع رسانی نیز سرعت اینترنت را کند کرد، پیامک‌ها و تلفن‌های همراه را در ید کنترل خویش گرفت، سرویس ایمیل گوگل و جی میل و... را قطع و یا بالکل مختل نمود. تلویزیون‌های ماهواره‌ای را از کار انداخت و عملاً در سراسر ایران حکومت نظامی اعلام نمود. از طرفی این فقط رژیم امنیتی- نظامی خامنه‌ای نبود که به هراس افتاد و مانع گسترده‌ی تظاهرات مردمی گردید. رهبران محافظه کار اصلاح طلب در خارج و داخل کشور نیز مدت‌ها قبل از تظاهرات ۲۲ بهمن به تکاپو افتادند و برای کنترل جنبش دمکراتیک مردم و آرام نگاه داشتن اوضاع و ممانعت از شعارهای "تندروانه و ساختار شکنانه" مردم ایران کمر همت بستند و یک بار دیگر نقش مخرب خویش را در ضربه زدن به جنبش آزادیخواهان مردم ایفا نمودند. تلاش برای خلع سلاح روحی مردم و رهنمود از عدم توسل به خشونت در مقابل خشونت ضد بشری ارتجاع تا به دندان مسلح و تلاش برای کنترل مبارزه مردم در کادر قانون اساسی جمهوری اسلامی به شدت به جنبش ضربه زد و قوای بخشی از توده‌ها را به تحلیل برد.

سایت جرس وابسته به عطاالله مهاجرانی، محسن کدیور و شمار دیگری از اصلاح طلبان روزهای قبل از ۲۲ بهمن از طریق رسانه‌های خارجی نظیر بی بی سی و صدای آمریکا تمام همشان را به کار گرفتند تا مردم را از بانگ شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر ولایت فقیه و مرگ بر این نظام مردم فریب باز دارند و به جای آنها شعارهایی نظیر «الله اکبر»، «جمهوری اسلامی آری- حکومت خودکامان هرگز» درود بر سه سید حسینی - خمینی و موسوی و خاتمی... را به مردم بقبولانند. اینان همگی دست در دست یک دیگر و یک صدا به مردم فتوای عدم توسل به خشونت صادر کردند تا جنبش دمکراتیک مردم از مرز قانون اساسی و چهار دیوار پوسیده نظام ولایت فقیه خارج نگردد. آقای موسوی و کروبی و شرکاء تلاش داشته و دارند تا مردم را به پیاده نظام خود برای چانه زنی با جناح حاکم و کسب امتیازات سیاسی اقتصادی تبدیل کنند. تظاهرات پرشکوه و قهرمانانه مردم در روز ۶ دی، روز عاشورا به مذاق اصلاح طلبان نیز خوش نیامد و آنها را همانند جناح امنیتی- نظامی خامنه‌ای به وحشت انداخت. این آقایان با صدور بیانیه‌های رنگارنگ و اتخاذ سیاست‌های آشتی طلبانه و سازشکارانه‌ای که قبل از راه پیمائی ۲۲ بهمن اتخاذ نمودند بار دیگر بر وفاداری و التزام خود به نظام جمهوری اسلامی تأکید ورزیدند و به خواست دمکراتیک و مترقی مردم که بر نفی تمامیت نظام اسلامی و بر اصل آزادی، استقلال و جمهوری دمکراتیک ایرانی استوار است پاسخ منفی دادند. تأکید بر "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر" شعار این رهبران اصلاح طلب بود. مردم اما به رغم چنین تلاش‌های ارتجاعی با اراده‌ای مصمم برای نبرد با ارتجاع و بی اعتناء به رهنمودهای اصلاح طلبان و امتناع از شعارهای "یا حسین میرحسین و سه سید حسینی" در روز ۲۲ بهمن به میدان آمدند و با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای به جناح حاکم که برای حفظ نظامش حکومت نظامی برقرار کرده بود، نشان دادند که شعله خشمشان خاموش شدنی نیست و به پیکارشان تا نیل به حقوق دمکراتیک و آزادی و عدالت اجتماعی ادامه خواهند داد. تعمیق مبارزات مردم و رادیکالیزه شدن شعارها صف بندی‌های طبقاتی را نیز شفاف تر نموده است.

پیام سید علی خامنه‌ای بلافاصله پس از برگزاری راه پیمائی که از "معاندان و فریب خوردگان داخلی" و "حضور ده‌ها میلیونی ملت" سخن گفته بود، نشان از ورشکستگی و هراس وی از ادامه اعتراضات مردم بود و نتوانست و نخواهد توانست ضعف‌های دستگاه حاکمه را در مقابل موج نارضایتی و راه پیمائی‌های ساختار شکنانه و براندازانه مردم پنهان کند.

مردم ایران از راه پیمائی ۲۲ بهمن و نکات قوت و ضعف آن خواهند آموخت که برای پیشروی و ارتقاء مبارزاتشان می باید با طرح مطالبات سوزان کارگران و زحمتکشان آنها را نیز به میدان بکشاند و با اتکاء به این طبقات تھی دست قدرت مانور رژیم را درهم کوبند و راه مبارزه و پیروزی را هموار سازند. ارتقاء این مبارزات و جا انداختن شعار اعتصاب عمومی و فلج ساختن چرخ حیات تولید و خدمات جامعه، راه خروج از وضعیت فعلی و باز شدن فضای تنفسی برای جنبش دمکراتیک مردم ایران است. این کمبودی است که در خلال ۹ ماه اخیر از آغاز خیزش میلیونی مردم تا کنون مشهود بوده و ما همواره بر آن تأکید ورزیده‌ایم و باز هم بر این امر پای می فشاریم که بدون به میدان آمدن طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش در ابعاد سراسری مبارزات مردم، در همین سطح باقی خواهد ماند و چشم اندازی برای پیروزی وجود نخواهد داشت. شرکت پراکنده کارگران در راه پیمائی اعتراضی خود به خود موضوعی را حل نخواهد کرد. موضوع مهم طرح مطالبات کارگران در تظاهرات‌های خیابانی و پیوند این مبارزات به طور سراسری با طبقه کارگر و عموم زحمتکشان است. کارگران باید به تدریج این راه پیمائی‌ها را از طریق شعارها و مطالبات روشن و شفاف کارگری و عدالت جویانه از آن خود بدانند و مستقیماً وارد میدان شوند و نقش تاریخی خود را در این نبرد ایفا نمایند.

نکته قابل توجه دیگر این است که پیکار علیه دشمن بیرحم، آدمکش و تا به دندان مسلح جمهوری اسلامی تاکتیک‌های متنوعی را می طلبد و نمی توان مبارزه علیه ارتجاع را فقط به یک شکل از سازماندهی، آن هم تنها در عرصه مجازی، اینترنت و فیس بوک و... محدود کرد. تشکیل هسته‌های مخفی در محل کار و زیست و برنامه ریزی دراز مدت برای تداوم مبارزه امری حیاتی است. شعارهای بی محتوا و نهیلیستی رفرمیست‌ها که بر طبل "خود سازماندهی توده‌ها" و نفی حزبی و سازماندهی متمرکز و هدفمند می کوبند ره به جایی نخواهند برد و محکوم به شکست است. پیوند با مردم در محل کار و زیست و طرح صبورانه مسائل پایه‌ای و مطالبات کوتاه مدت و دراز مدت جنبش، تدقیق دقیق صف دوستان و دشمنان جنبش، طرح صحیح استفاده از تضادهای درونی جناح‌های رژیم با حفظ استقلال و بدون دنباله روی از این جناح و یا آن جناح از بورژوازی، سود جستن از تضادهای جمهوری اسلامی و امپریالیست‌ها و رژیم صهیونیستی اسرائیل و طرح صحیح مطالبات دمکراتیک و پیوند آن با مبارزه ضد اجنبی و ضد استعماری و تمرکز شعارها بر دشمنان عمده و پرهیز از طرح شعارهای فرعی و غیر عمده، نظیر مرگ بر چین و روسیه... از جمله مسائل مهمی هستند که باید مدام بر آنها تأکید ورزید و از هرگونه هیجان‌ناحظه‌ای و دور از منطق که نتیجه‌ای جز یأس و سرخوردگی نخواهد داشت، اجتناب نمود تا این مبارزات به ثمر بنشیند.

راه رستگاری مردم ایران راه سرنگونی قهرآمیز رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است و این نخستین گام برای دست یافتن به حقوق اولیه کارگران و زحمتکشان، حق تشکل حزبی و سندیکائی، آزادی بیان و عقیده، جدائی دولت از دین و آموزش مذهبی، لغو آپارتاید جنسی و برابری بین مردان و زنان و لغو هر گونه تبعیض ستم قومی و ملی... است. این مطالبات تنها زمانی متحقق خواهند گشت که سرکردگی پرولتاریای ایران در این جنبش تأمین گردد. راهی جز این راه، برای کسب پیروزی نهائی متصور نیست.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی !

سرنوشت غم انگیز عبدالملک ریگی رهبر جندالله

بامداد سه شنبه ۴ اسفند وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی "از عملیات غافلگیرانه" برای دستگیری ریگی خبر داد و وزیر کشور، مصطفی محمد نجار که همراه با محمود احمدی نژاد به استان خراسان سفر کرده بود، از دستگیری و انتقال ریگی به داخل سخن گفت. روزنامه کیهان با آب و تاب فراوان از "سربازان گمنام و ریگی جنایتکار" نوشت و از قول وزیر اطلاعات: "این شاهکار اطلاعاتی را صرفاً متعلق به ایران دانست."

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی بارها در مصاحبه با خبرنگاران تأکید کرده است که دستگیری ریگی و این شاهکار اطلاعاتی بدون هرگونه همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی خارجی بوده است. اما واقعیت چیست؟ سازمان جندالله سال‌ها مورد پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم آمریکا برای تجزیه ایران بوده و این سازمان از طریق خاک پاکستان و حمایت سازمان اطلاعات این کشور عملیات نظامی و تدارکاتی‌اش را در بلوچستان برای تجزیه ایران سازماندهی می‌کرد. در دوره ریاست جمهوری جرج بوش طرح تجاوز نظامی و اشغال ایران به طور جدی در پنتاگون مورد بحث قرار گرفت و به تبع آن، سیاست حمایت مالی و نظامی از جبهه‌های رنگارنگ مخالف رژیم به عنوان اهرم فشار مرزی بر جمهوری اسلامی از جمله اقداماتی بود که به تصویب رسید و در رسانه‌های غربی نیز منعکس گردید. سیمور هرش روزنامه نگار منتقد آمریکائی نیز بارها در مقالاتش از حمایت «ایالات متحده آمریکا از عملیات جندالله علیه رژیم ایران» نام برد و اهداف آمریکا را برشمرد. دلارهای آمریکائی و وعده حکومت خودمختار و آن هم الگوی کردی - عراقی آن در منطقه، سازمان جندالله و برخی دیگر از جبهه‌ها و سازمان‌هایی که درک نادرستی از حل مسئله ملی داشتند و تکیه به امپریالیسم و نیروهای خارجی را تنها راه تحقق حقوق دمکراتیک خود ارزیابی می‌کردند به آلت دست امپریالیسم و نظم نوین منطقه‌ای آن تبدیل نمود. شکست سیاست‌های جرج بوش در منطقه به ویژه در عراق و افغانستان و منتفی شدن فعلی حمله نظامی به ایران و روی کار آمدن باراک اوباما و طرح جدید دیپلماسی برای تحقق منافع بلند مدت آمریکا و تأمین سرکردگی آن، محدودیت‌ها و خطراتی را برای متحدین سابق آمریکا فراهم نمود. سیاست جدید آمریکا در برخورد با ایران سیاست فشار بین المللی در زمینه انرژی اتمی، تحریم و بسیج افکار عمومی از یک سو و از سوی دیگر نان قندی در قالب دادن امتیازات سیاسی به رژیم، نظیر عدم حمایت از سازمان‌های اپوزیسیون مسلح و ایجاد فضای اعتماد و همکاری متقابل در چهارچوب منافع آمریکا در منطقه است. دستگیری عبدالملک ریگی رهبر جندالله نمی‌تواند خارج از این سیاست منطقه‌ای آمریکا مورد بررسی قرارگیرد. تأکید مدام وزیر کشور و وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی مبنی بر عدم همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی خارجی در دستگیری ریگی خود دلیل بر همکاری رژیم با چنین سازمان‌هایی است و آن چه در مطبوعات رژیم از "اقتدار نظام جمهوری اسلامی و شاهکار اطلاعاتی نام برده می‌شود، فقط تبلیغات سیاسی برای روحیه بخشیدن به سربازان و اوباشان خودی است. سازمان جندالله در رد نظرات جمهوری اسلامی در تارنمای خود نوشته است: «رهبر مقاومت، در یک عملیات ضد تروریستی دستگیر شده که سرویس‌های مخفی آمریکا، افغانستان و پاکستان در آن شرکت داشته‌اند». به این اعتبار شاهکار اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی شاهکار یک دروغ بزرگ به اندازه دروغ جرج بوش و سناریوی دستگیری صدام حسین است.

حقیقت این است که تاریخ مصرف سازمان جندالله به سرآمده و امروز کشتی بان را سیاستی دگر آمد. امپریالیسم آمریکا باید حسن نیت خویش را نسبت به رژیم نشان دهد تا رژیم اسلامی نیز عقب نشینی‌هایی را در دستور روز قرار دهد. اگر یکی از پیش شرط‌های جمهوری اسلامی برای همکاری با آمریکا در منطقه، دست کشیدن آمریکا در حمایت از سازمان‌هایی نظیر جندالله است، اقدام اخیر و تحویل ریگی نخستین گام جدی در راستای تحقق چنین سیاستی است. حال اگر چنین سیاستی منافع دو طرف را تأمین می‌کند پس باید منتظر معاملات پشت پرده بعدی بود که این خود خطری جدی برای همه سازمان‌ها و جریاناتی است که سرنوشت خود را به سیاست امپریالیسم و ارتجاع در منطقه گره زده‌اند.

سرنوشت غم انگیز ریگی رهبر سازمان جندالله باید درسی باشد برای سازمان‌ها و محافلی که هنوز تکلیف خود را با امپریالیسم در منطقه روشن نکرده‌اند و به جای همبستگی با خلق‌های منطقه و مبارزه با اشغالگری و استعمار از خیانت و سرسپردگی، فضیلتی ساخته و به زانده سیاست‌های منطقه‌ای امپریالیسم تبدیل شده‌اند. راه رستگاری همه خلق‌های ایران راه اتحاد و همبستگی در پیکار با رژیم جمهوری اسلامی است و این پیکار جدا از مبارزه با امپریالیسم در منطقه نیست. تنها با اتکا به نیروی خویش و استقرار ایرانی دمکراتیک و آزاد از استبداد و ظلم و زور است که می‌توان به نابرابری‌های طبقاتی، تبعیضات ملی و قومی و مذهبی پایان داد. راهی جز این راه برای تحقق حقوق دمکراتیک مردم ایران متصور نیست.

**زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه داری، فاشیسم،
صهیونیسم و امپریالیسم!**

منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران

و

تلاش‌های تفرقه افکنانه « کمیته هماهنگی »

به مناسبت سی و یکمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ چهار سندیکا و اتحادیه مستقل کارگری با تأکید بر نقش تعیین کننده طبقه کارگر در برچیده شدن حکومت استبدادی و ستم و خفقان سلطنتی و آرزو و امیدهای کارگران و زحمتکشان که بعد از سی و یکسال به یأس تبدیل شده و امروز جز فقر و بدبختی و بیکاری و دستمزد زیر خط فقر، طرح قطع یارانه‌ها و درماندگی میلیون‌ها کارگر و مزد بگیر برای زندگی آنها بر جای نمانده است؛ با طرح خواست‌های حداقلی کارگران و زحمتکشان یک بار دیگر مانند کارگران صنعت نفت در مقطعی حساس از مبارزات آزادیخواهانه و ضد دیکتاتوری مردم ایران پرچم مبارزاتی خود را که بیان کننده خواست اکثریت مطلق جامعه است می افرازد.

تشکل‌های سندیکائی خواست‌های حداقلی خود را به شرح زیر اعلام می کنند.

- ۱ - به رسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع، آزادی بیان، مطبوعات و حزب.
 - ۲ - لغو فوری مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی از زندان.
 - ۳ - افزایش فوری حداقل دستمزدها بر اساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان منتخب آنها در مجامع عمومی کارگری.
 - ۴ - طرح هدفمند کردن یارانه‌ها باید متوقف و دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت گردد.
 - ۵ - تأمین امنیت شغلی برای کارگران و تمامی مزد بگیران، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیط‌های کار و تدوین و تصویب قانون کار جدید با دخالت مستقیم نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران.
 - ۶ - اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده‌اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.
 - ۷ - لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.
 - ۸ - برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی.
 - ۹ - تمامی کودکان باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی‌های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند.
 - ۱۰ - اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.
- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه.
سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه.
اتحادیه آزاد کارگران ایران.
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه.

۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۸

امروز وظیفه همه نیروهای آزادیخواه و مترقی و مردمی این است که با تمام قدرت ضمن دفاع از وحدت و همبستگی کارگران و زحمتکشان، خواست‌های پایه‌ای مطرح شده در این منشور را در مبارزات روزمره خود و در تمام اجتماعات و تظاهرات و اعتراضات و اعتصابات و راهپیمائی‌ها مطرح کنند و به این وسیله به ثمر رسیدن مبارزات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه خود را تضمین کنند.

بعد از انتشار منشور خواست‌های حداقلی طبقه کارگر مطلبی تحت عنوان "تقلیل مطالبات پایه‌ای کارگران توسط چهار تشکل سندیکائی" توسط گروهی که خود را « کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری » می نامد، از موضعی آنارشیستی و کودخانه، ضمن تبلیغ علیه اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و تلاش در جهت تفرقه افکنی در صفوف کارگران و زحمتکشان به ایفای نقش واقعی خود به عنوان اسب تروای ارتجاع حاکم با نقاب ماوراء چپ می پردازد.

این چپ‌های قلبی که در جریان اعتصاب کارگران لاستیک سازی البرز در مهر ماه سال قبل خواستار تصرف و اعلام مالکیت کارخانه توسط شورای انقلابی و ضد سرمایه‌داری بودند و می خواستند با اداره پیروزمندانه کارخانه و لغو کار مزدی در لاستیک سازی البرز آن هم زیر سایه جمهوری اسلامی حاکمیت شورائی کارگری برقرار کنند؛ این بار نیز با مغلطه کردن در مفهوم اتحادیه و

شورا و وظایف متفاوت و جایگاه آنها و تبلیغ رفرمیست بودن سندیکا و اتحادیه مجدداً با خیال پردازی‌های کودکانه و آنارشیستی می‌خواهند در صفوف کارگران تفرقه افکنده و آنها را دنبال نخود سیاه "شورا" فرستاده و یا در واقع به بی‌عملی بکشانند.

مارکس در باره اتحادیه‌های کارگری نوشت:

"اتحادیه، تشکیلات حقیقی پرولتاریا است که به وسیله آن مبارزات روزانه و دائم خود را علیه سرمایه‌داران ادامه می‌دهد. اتحادیه برای کارگران مکتب مبارزه است."

اتحادیه کارگری یک تجمع صنفی کارگران است. کارگران صنوف متعدد مانند صنایع فلز کاری، ساختمانی، معادن، حمل و نقل و... هر کدام بر اساس منافع اقتصادی و ویژگی‌های حرفه‌ای، اتحادیه صنف خویش را دائر کرده تا بتوانند متحداً از حقوق خویش در مقابل کارفرمایان و دولت متحد آن دفاع کنند. کارگران در این تجمع می‌فهمند یک دست صدا ندارد و باید کارگران را برای کسب حقوق خویش جلب نمود. ۸ ساعت کار روزانه، بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی، بیمه معلولیت ناشی از کار، ارتقاء متناسب حقوق با افزایش سطح گرانی زندگی و تورم، پرداخت دستمزد در زمان بیماری، ممانعت از اخراج کارگران؛ همه و همه از نتایج کار دستجمعی کارگران در اتحادیه‌های خود آنهاست. این مبارزه متحد همیشه در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری باقی می‌ماند و به مصالحه با سرمایه‌داران و دولت می‌انجامد. هدف از مصالحه کنار آمدن با استثمارگران در شرایط مناسب تر است. چپ روها فکر می‌کنند که هر اعتصابی باید به انقلاب برسد. آنها سازش با کارفرما را در خاتمه هر اعتصاب در شرایطی که تمام خواست‌ها و یا حتی بخش عمده‌ای از خواست‌های کارگران برآورده شده است را "گاوبندی" و "سازش گنبدیده" با بهره‌کشانی می‌نامند حال آن که دست‌آورد هر اعتصاب کارگری وابسته به درجه فشار کارگران به سرمایه‌داران، توانائی ادامه اعتصاب، ایجاد موج همبستگی در میان سایر کارگران و مردم.. می‌باشد. پیروزی را باید کشتان کشتان آورد. اعتصاب الزاماً با پیروزی همراه نیست. در یک شرایط نامناسب، اعتصاب می‌تواند به شدت شکست بخورد و به ایجاد موج ناامیدی در عناصر کارگری و سرخوردگی در عناصر نااستوار منجر شود. این است که برای پیروزی اعتصاب باید آن را از قیل تدارک دید. سازمان سراسری اتحادیه‌های کارگری که کلیه این تشکلهای صنوف گوناگون را در بر بگیرد یکی از سلاح‌های بُرنده کارگران در تضمین مداومت اعتصاب، بُرد تبلیغاتی و بسیج نیروی همبستگی است.

شوراها تنها سازمان‌های کسب قدرت سیاسی هستند. برای آن تجمع می‌کنند که بتوانند قدرت سیاسی را به کف گیرند و محصول شرایط دوران انقلاب است و در اوج مبارزات کارگری با هدف کنترل و مدیریت و اعمال قدرت طبقاتی تشکیل می‌شود. کنگره شوراها دولتمردان را برای اداره کشور انتخاب می‌کند. کنگره شوراها حزب نیست، کنگره نمایندگان منتخب مردم است که نماینده اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد.

شورا و سندیکا علیرغم این که هر دو از جمله تشکلهای کارگری هستند، اولی رکن حکومتی و برای کسب قدرت سیاسی و تغییر بنیادی جامعه است و دیگری تنها برای بهبود شرایط زندگی در چهارچوب مناسبات حاکم سرمایه‌داری در ممالک سرمایه‌داری است و هدفش کسب قدرت سیاسی نیست. نه تنها نباید این دو شکل سازمانی را با یک دیگر عوضی گرفت بلکه مجاز نیست که ماهیت آن را یکی کرد و وظایف مستقل آنها را در هم ریخت و از آن ملغمه‌ای ساخت که زیانش تا به امروز گریبان جنبش انقلابی ایران را گرفته است.

شوراها بدون رهبری حزب پرولتاری، حزب مارکسیست لنینیست، فرجامی جز شکست ندارند و دیر یا زود به چرخ دنده بورژوازی تبدیل خواهند شد. طبقه کارگر به حزب خود به ستاد فرماندهی خود برای جنگیدن نیاز دارد. حزب به طبقه کارگر هویت طبقاتی می‌دهد و وی را آگاهانه در مبارزه بغرنج طبقاتی در مسیر درست به حرکت در می‌آورد. تئوری‌های ارتجاعی "بی‌حزبی" از سرکوب‌های رژیم جمهوری اسلامی خطرناک تر است. زیرا این تئوری‌ها طبقه کارگر و پیروان راه وی را از نظر فکری و عقیدتی خلع سلاح می‌کند. در حالی که کشتار رژیم‌های فاشیستی که اقدامی فیزیکی است کافی نیست تا از رشد دائمی حزب جلوگیری کند. مبارزه تخریبی عقیدتی، عنصر آگاه را فلج می‌کند و آب به آسیاب همان سرکوب فیزیکی می‌ریزد. به این جهت باید با ضد حزبی‌ها، با آناکو سندیکالیست‌ها، با تروتسکیست‌ها و همه دشمنان ریز و درشت جنبش کارگری با پرچم حزبیت مبارزه کرد. کارگران باید صفوف خود را از افکار مغشوش آنارشیست‌ها پاکیزه کنند و تلاش کنند دامنه اتحادیه‌های کارگری توسعه یابد و شعاراتحاد طبقاتی همه کارگران برای تحقق حقوق حداقل صنفی سیاسی و مطالبات دمکراتیک برجسته گردد. تنها در این صورت است که می‌توان شرایط پیروزی و پیشروی کارگران را فراهم نمود. جز این نیز راه دیگری متصور نیست.



« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فناى مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. » (مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست)

نزدیکی شب عید و بلایی به نام گرانی

به برکت رژیم تبهکار جمهوری اسلامی مصائب مردم میهن ما از اندازه بیرون است، آنها امنیت ندارند، وضع آموزش و بهداشت اسفناک است، مسکن ندارند و اجاره خانه سرسام آور است، از بی حقوقی و خودسری‌های مافیای رژیم رنج می‌برند و سال‌هاست که از گرانی به ستوه آمده‌اند و اکنون در آستانه شب عید طبق آخرین گزارش بانک مرکزی قیمت کالاها به ویژه کالاهای مورد نیاز عمومی مانند گوشت، حبوبات، میوه و سبزیجات، قند و شکر، و لبنیات ... به طور سرسام‌آوری بالا می‌رود در حالی که دستمزد کارگران و زحمتکشان، حقوق آموزگاران و کارمندان جزء دولت در سطح نازلی باقی مانده است. مردم ما به زحمت گذران زندگی خود و خانواده خود را سرهم می‌کنند و اکنون در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که حتی تهیه نان خالی و سکونت در یک اتاق کوچک نیز از توانایی آنان بیرون است.

رژیم "مهرورز" جمهوری اسلامی یک رژیم مافیائی است و تا دلتان بخواهد دروغ می‌گوید و هیچ پاسخی برای نیازمندی‌های ابتدائی مردم ندارد جز به کار گرفتن زور و سرکوب و حفظ امنیت برای آقازاده‌ها و سرمایه‌داران گردن کلفت. افزایش قیمت‌ها در درجه نخست ناشی از آزمندی بی حساب و کتاب مشتی سرمایه‌دار انگل و سودجو به تحصیل سود هر چه بیشتر است و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به رهبری احمدی نژاد و خامنه‌ای نه می‌خواهد و نه می‌تواند جلوی سود جویی طبقاتی را که خود در زمره آنها و نماینده و مدافع منافع آنها است بگیرد. برای مبارزه با گرانی باید تولید داخلی را افزایش داد و از واردات بی بند و بار جلوگیری کرد. رژیم درهای مملکت را به سوی واردات خارجی کاملاً گشوده است و بورژوازی دلال ایران که انحصار بازار را در ید قدرت خود دارد با تبنانی با مقامات مسئول و آیت‌الله‌های رنگارنگ اجناس را احتکار می‌کند تا آنها را بازم گرانی تر بفروشد. برای رژیمی که فساد سراپای آن را فرا گرفته است و تمام مسئولین امر از ولی فقیه گرفته تا احمدی نژاد و سرداران آدمکش سپاه پاسداران تا آیت‌الله‌ها و حاجی جبارهای مرده خور کوچک بازاری و مزدوران بسیجی و جیره خوار در اندیشه چاپیدن مردمنده، قیمت کالاها و توزیع محصولات نمی‌تواند به سود مردم باشد. جمهوری اسلامی هر چه بیشتر بر مسند قدرت باقی بماند بلای بیشتری به ارمغان می‌آورد. همه راه‌های رهائی مردم شریف ایران از سرنگونی رژیم تبهکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌گذرد.

گزارش زیر درمورد افزایش سرسام آور کالاها که مورخ ۵ اسفند ماه در تهران امروز انتشار یافته است خود زبان گویائی است بر ماهیت فاسد رژیم جمهوری اسلامی و بیانگر این که مردم میهن ما در چه شرایط اسفناکی به استقبال نوروز می‌روند. نوروزی که به برکت رژیم اسلامی سفره اکثریت مردم زحمتکش ایران خالی تراز سال گذشته است.

تهران امروز

« بنا بر آخرین گزارش بانک مرکزی از متوسط قیمت خرده فروشی برخی از مواد خوراکی در تهران، قیمت میوه‌های تازه، سبزی‌های تازه، گوشت مرغ و تخم مرغ در هفته مورد گزارش به ترتیب ۷،۲، ۴، ۶، ۷، ۳، ۶ و ۳، ۶ نسبت به هفته قبل از آن افزایش یافت. قیمت گوشت مرغ در هفته‌های آخر سال جاری در حالی افزایش می‌یابد که قاسم نوده فراهانی، رئیس شورای اصناف کشور اواسط بهمن‌ماه امسال از امضای توافقنامه‌ای با وزارت بازرگانی و اتحادیه تولیدکنندگان مرغ خبر داد تا مرغ تازه از ۲۰ بهمن‌ماه به مدت سه‌ماه به قیمت ۲۴۵۰ تومان توزیع شود.

هم چنین به گفته او پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته تا در نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا مرغ تازه در ماشین‌های یخچال‌دار توزیع شود اما به نظر می‌رسد که این روش پاسخگویی لازم را برای تنظیم بازار مرغ نداشت به طوری که قیمت مرغ در سطح شهر تهران بین ۲۸۰۰ تا ۳۲۰۰ تومان در نوسان است اما گوشت قرمز، روغن نباتی و حبوب از دیگر گروه‌های کالائی بودند که نسبت به هفته قبل از آن به ترتیب ۹، ۶، ۰، ۶ و ۶ درصد افزایش قیمت را تجربه کردند.

قیمت گروه‌های کالائی لبنیات و برنج نیز نسبت به هفته قبل از آن به ترتیب افزایش‌های ۳، ۰ و ۳، ۰ درصدی را نشان می‌دهند اما قیمت قند و شکر و چای در هفته مذکور نسبت به هفته قبل از آن به ترتیب ۲، ۰ و ۱، ۰ کاهش قیمت داشت. در عین حال قیمت ۱۰ گروه کالائی در هفته مورد گزارش نسبت به هفته مشابه ماه قبل از آن و قیمت تمام ۱۱ گروه کالائی مورد بررسی بانک مرکزی نسبت به هفته مشابه سال قبل افزایش یافت.

رکورد دار افزایش قیمت در هفته منتهی به ۳۰ بهمن ماه سال جاری نسبت به ماه قبل به ترتیب، گوشت مرغ با افزایش ۱۲ درصدی، میوه‌های تازه با افزایش ۹، ۸ درصدی و سبزی‌های تازه با افزایش هشت درصدی هستند. در عین حال قیمت قند، شکر و قیمت گوشت قرمز در هفته مورد گزارش نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۹، ۴ و ۸، ۳ درصد افزایش یافته است. میوه‌های تازه و گوشت مرغ نیز نسبت به سال قبل به ترتیب ۲، ۳۲ و ۶، ۲۰ درصد افزایش قیمت داشتند.

به گزارش بانک مرکزی، در هفته منتهی به ۳۰/۱۱/۸۸ در گروه لبنیات، قیمت ماست غیر پاستوریزه و پنیر غیر پاستوریزه نسبت به هفته قبل افزایش داشت ولی بهای کره پاستوریزه اندکی کاهش یافت. در هفته مورد گزارش، بهای سایر اقلام این گروه ثابت بود. بهای تخم‌مرغ افزایش یافت و شانه‌ای ۲۷ تا ۳۱ هزار و ۵۰۰ ریال فروش می‌رفت. در گروه برنج، قیمت همه اقلام این گروه اندکی افزایش داشت، در گروه حبوب بهای نخود ثابت بود و قیمت سایر اقلام این گروه افزایش یافت. در خواربار فروشی‌های مستقر در میادین زیر نظر شهرداری اقلام حبوب عرضه نمی‌شد.

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی است

در هفته مورد بررسی، در میادین زیر نظر شهرداری تهران انار، انگور و لوبیا سبز عرضه نمی شد و پرتقال درجه یک عرضه کمی داشت ولی بقیه اقلام میوه و سبزی تازه را که تعدادی از آنها از نظر کیفی در سطح پائینی قرار داشتند، به نرخ مصوب سازمان میادین میوه و ترهبار شهرداری می فروختند.

میوه فروشی های سطح شهر اقلام مرغوب میوه و سبزی تازه را عرضه می کردند که در گروه میوه های تازه، قیمت همه اقلام این گروه افزایش داشت. در گروه سبزی های تازه، بهای سبزی های برگی بدون تغییر بود. قیمت سایر اقلام این گروه به ویژه کدو سبز افزایش یافت. در این هفته قیمت گوشت گوسفند، گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ افزایش داشت. در هفته مورد بررسی، بهای قند و چای خارجی اندکی کاهش ولی قیمت شکر و انواع روغن نباتی اندکی افزایش داشت.

در هفته مورد گزارش، در گروه لبنیات بهای ماست غیرپاستوریزه معادل ۱،۰ درصد و پنیر غیرپاستوریزه معادل ۲،۶ درصد نسبت به هفته قبل افزایش ولی قیمت کره پاستوریزه ۰،۱ درصد کاهش یافت.

بهای سایر اقلام این گروه ثابت بود. قیمت تخم مرغ معادل ۳،۶ درصد افزایش داشت.

در هفته مورد بررسی، در گروه برنج قیمت برنج غیرتایلندی معادل ۰،۸ درصد، برنج داخله درجه یک ۰،۳ درصد و برنج داخله درجه دو ۰،۵ درصد افزایش یافت. در گروه جنوب بهای نخود ثابت بود. قیمت سایر اقلام این گروه بین ۰،۵ تا ۱،۲ درصد افزایش داشت.

در هفته مورد گزارش، در گروه میوه های تازه، قیمت همه اقلام این گروه بین ۲،۳ تا ۱۲،۲ درصد افزایش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت سبزی های برگی بدون تغییر بود. بهای کدو سبز معادل ۴۹،۰ درصد و بهای سایر اقلام این گروه بین ۰،۴ تا ۱۳،۴ درصد افزایش داشت.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، در هفته مورد بررسی نسبت به هفته قبل قیمت گوشت گوسفند معادل ۰،۸ درصد، گوشت تازه گاو و گوساله ۱،۰ درصد و گوشت مرغ ۶،۲ درصد افزایش یافت.

در هفته مورد گزارش، بهای قند معادل ۰،۵ درصد و چای خارجی ۰،۱ درصد کاهش ولی قیمت شکر معادل ۰،۷ درصد، روغن نباتی جامد ۰،۶ درصد و روغن نباتی مایع ۰،۲ درصد افزایش داشت.»

* * * * *



یادی از رفیق توفیق ادیب سمبل مقاومت که به تاریخ جاودانه انقلابی زحمتکشان ایران پیوست

اسفند امسال بیست و هشتمین سالگرد اعدام جنایتکارانه رفیق توفیق ادیب است. رفیق ادیب از خطه آذربایجان بود. وی به کمونیست بودن خود بیش از تعلقات ملی خود تکیه می کرد زیرا می دانست که برای آزادی ایران، برای استقرار دموکراسی در ایران، برای رفع هرگونه ستم ملی و قومی و مذهبی به اتحاد همه طبقه کارگر ایران نیاز است، کارگر آذری همان قدر مورد ستم است که کارگر خوزستانی، خراسانی، آذری و یا کردی و مازندرانی.... وی در جانی فعالیت می کرد که منافع تشکیلات و ملزومات مبارزه طبقاتی آن را می طلبید. وی می دانست که باید در حزب واحد و سراسری طبقه کارگر ایران متشکل شد و مبارزات طبقه کارگر بر ضد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را رهبری نمود. وی می دانست راه نجات بشریت از بربریت نظام سرمایه داری و پایان دادن به نفرت ملی از سر منزل سوسیالیسم می گذرد. مبارزه رفقای کمونیست کرد، آذربایجانی، عرب، فارس با فرزندان سایر خلق ها و اقلیت های قومی و مذهبی ایران در تشکل ما، از روحیه انترناسیونالیستی تشکیلات ما حکایت می کند. ما به حزبی نیاز داریم که وابستگی های ملی در آن جنبه فرعی داشته باشد و آن چه اعضاء آن را به هم پیوند می دهد ایمان راسخ به ایدئولوژی طبقه کارگر باشد.

کمونیسم به ما می آموزد که تعلق طبقاتی بر تعلق ملی ارجحیت دارد و مشخصه حزب طبقه کارگر است. رفیق توفیق ادیب رفیق آذری ما بود که برای رهائی طبقه کارگر ایران رزمید و در این راه جان باخت و رفیق دیگر ما احمد مجلسی رفیق فارس ما بود که سالها در همکاری با رفیق فواد سلطانی در غرب ایران فعالیت می کرد و سپس در رابطه تنگاتنگ با رفقای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) قرار گرفت و سرانجام جانش را بر سر قرار با رفقای کومله در تهران در سحرگاه یورش ارتجاع از دست داد. رفیق عبدالله حسن زاده پیشمرگ حزب ما در کردستان، رفیق کرد ما بود که توسط رژیم قتل و جنایت اسلامی به خاک افتاد.....

راه پیروزی طبقه کارگر ایران از خون فرزندان تمامی خلق های ایران گلگون است و این امر ما را فرا می خواند که صرف نظر از تعلقات ملی و وابستگی های قومی در صفوف حزب واحد طبقه کارگر ایران متحد شویم و برای امر مقدس استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه مشترک بنمائیم. آن گاه ما به بهترین تجلیل از رفقای جانباخته خود و همه مبارزان راه سوسیالیسم دست زده ایم. حزب ما در این راه مصمم پیش خواهد رفت. یاد نامه زیر نخستین بار در اسفند ماه سال ۱۳۶۲ بلافاصله بعد از جان باختن رفیق توسط حزب در ایران منتشر گردید سپس با تغییراتی در سال ۱۳۶۴ در کتاب یادواره جانباختگان توفانی به چاپ رسید. ما امسال به بهانه بیست و هشتمین سالگرد جانباختن رفیق توفیق ادیب این یاد نامه را همراه با شعری از وی به چاپ می رسانیم و یاد و خاطره این رفیق ارزنده کمونیست توفانی را که جانش را در راه رهائی کارگران و زحمتکشان و استقرار سوسیالیسم فدا کرد گرامی می داریم.

یاد رفیق توفیق ادیب و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

هئیت تحریریه

اسفند ۱۳۸۸

« رفیق توفیق ادیب در تیرماه ۱۳۳۴ در اردبیل در خانواده ای نسبتاً متوسط متولد شد. وی تحصیلات ابتدائی خود را در اردبیل به پایان رسانید و در سن ۱۶ سالگی وارد دانشسرای تبریز شد. روحیه مبارزه جویانه رفیق اولین جوانه های خود را در این دانشسرا و در برخورد به رژیم شاه نمایان کرد و به همین سبب او چندین بار در آنجا مورد اذیت و آزار پلیس و مأموران ساواک قرار گرفت. رفیق توفیق پس از پایان تحصیلات در روستاهای اطراف اردبیل معلم شد و در خدمت توده های قرار گرفت که به سادگی با آنها پیوند داشت.

در سال ۵۶ به هنگام احیاء حزب، رفیق به حزب پیوست و تا آخرین دم حیات در این سنگر انقلابی باقی ماند. پس از خرداد ۶۰ و با شروع اختناق، از آنجا که رفیق به عنوان یک کمونیست توفانی در منطقه شناخته شده بود به تبریز گریخت و در آنجا زندگی مخفی آغاز نمود و نزدیک به دو سال در بدترین شرایط از مبارزه انقلابی دست برداشت و بالاخره در این رابطه در اوایل دی ماه ۶۱ به همراه همسر و فرزندش کاوه دستگیر شد.

رفیق توفیق پس از ۵ ماه شکنجه های جسمی و روحی در سحرگاه ۲۵ اسفند ۶۲ به هنگامی که درخیمان دو راه در جلوی او گذاشته بودند: مرگ یا مصاحبه تلویزیونی، رفیق مرگ را پذیرفت و بدین ترتیب این کمونیست انقلابی و این نمونه پامردی در عشق به خلق و طبقه کارگر و اعتقاد و ایمان به مارکسیسم - لنینیسم و حزب و این سمبل مقاومت و فداکاری با سری برافراشته به تاریخ جاودانه خلق انقلابی ما پیوست و برای همیشه جاودانه شد. رفیقی که در واپسین روزهای حیات رفیق توفیق چند لحظه ای را با او در بیمارستان گذرانده بود چنین می گفت:

رفیق در ا ر شکنجه های بسیار زیاد لب به سخن نگوشتد به حالت اغماز افتاد و در بیمارستان تبریز بستری گردید. رژیم با بستری کردن او قصد داشت که خوبش کند و به مصاحبه تلویزیونی دعوت نماید. رفیق روی تخت بیمارستان و در حالی که بر ا ر شکنجه تنها می توانست به پشت بخوابد (ولی نه راه می توانست برود و نه به جلو بخوابد) (.....) و با همان وضع دلخراش و با بیحالی ناشی از شکنجه چنین گفت:

کار عاشق غرق در خون شدن است

غرق در خون شدن وز خویشتن بیرون شدن است

این منزل اوست از عشق هنوز

راهی بس دراز تا به مجنون شدنم است

رفیق توفیق از معدود کسانی بود که زندگی خویش را آگاهانه سامان داده و چگونه مردن خویش را خود تعیین می کنند. او از زمره آن قهرمانان جاودانه طبقه کارگر و خلق های زحمتکش ایران بود که مرگ ایستاده را بر زندگی به زانو افتادن ترجیح داد. رفیق توفیق آن گاه که بر سر دو راهی مرگ و یا مصاحبه تلویزیونی و ترک سنگر مبارزه ملی، دمکراتیک و طبقاتی قرار داده شد، آگاهانه و از روی میل و اراده، مرگ را انتخاب کرد. مرگی که در وجود دیگران و توالی نسل های آینده که هم چنان به یاد آرش های این آب و خاک سرود خوانده، اشک شوق خواهند ریخت، به زندگی همیشگی تبدیل خواهد شد.»

جاودانه باد خاطره بشویک شهید رفیق توفیق ادیب!

شعر زیر توسط رفیق سروده شده است:

ترا ای قلب توفانی	اگر بار ا فرا داری
ترا ای سرخی لاله	تب تبار
ترا من میکنم فریاد	و شب را خالی از ظلمت نپنداری
تو می یابی از این چشمان پرخونم	من از آغاز تا غایت
چه شبها را سحر کردم	و از نابودی و از جاویدی
شبانرا با غم و محنت سپر کردم	برایت حرف خواهم زد
خلاصم کن مرا از همدمی با غم	همه گویند حاکم قدرتی دارد فزون
ترا می خواهم اکنون	صدایت را ببر از بن
انقلاب، ای انقلاب	ولیکن من ترا با سینه‌ای چالاک
ترا می خواهم اکنون	و تورم یافته از سینه های باروتی
تا کنم تصویر	و از عصیان همان خلقی
تا کنم تفسیر	که گشته زیر دست متروک

* * * * *

اطلاعیه حزب کارایران(توفان)

سوء قصد به جان منصور اسالو را به شدت محکوم می کنیم



طبق گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد از یک سوء قصد جان سالم به در برد. مطابق همین گزارش "روز دوشنبه ۳ اسفند ماه منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در هواخوری بند ۴ زندان گوهردشت کرج هنگامی که با ۲ زندانی دیگر در حال صحبت کردن بود با تیزی و از پشت مورد تهاجم قرار گرفت. که با هوشیاری زندانیان و واکنش به موقع او، از خطر جدی نجات یافت. این حمله در حضور پاسدار بند بنام حسن پور و فرد دیگر بنام مرادی سر وکیل بند صورت گرفت. پاسداران بندها هیچ اقدامی برای ممانعت از یورش انجام ندادند و بعد از این که زندانیان سیاسی نسبت به این حمله و بی عملی آنها اعتراض کردند آنها فقط اقدام به گرفتن تیزی از فرد مهاجم کردند و او را رها کردند. فرد مهاجم هم چنان به سوی آقای اسالو حمله می کرد و می گفت: که تو را می کشم و به عریده کشی خود ادامه می داد. این فرد قبل از این در مقابل فروشگاه چند بار سعی به ایجاد درگیری فیزیکی با آقای اسالو را داشت و چند بار بر سینه ایشان با مشت کوبید ولی آقای اسالو با بردباری، واکنشی از خود نشان ندادند. اما زندانیانی که شاهد این صحنه بودند به دفاع از آقای اسالو برخاستند و فرد مهاجم را عقب نشاندهند. فرد مهاجمی که به زندانی سیاسی منصور اسالو حمله کرد. سید محمد حسینی از اعضای سپاه پاسداران است که به جرم قتل همسرش در زندان به سر می برد. یورش امروز به آقای اسالو از پیش طراحی شده بود که به دستور وزارت اطلاعات و با طراحی علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان و کرمانی و فرجی رئیس و معاون اطلاعات و محمود مغنیان رئیس

بند ۴ به اجرا گذاشته شد. این چندمین باری است که طرح حمله ناموفق علیه زندانیان سیاسی در بند ۴ به اجرا گذاشته می شود و هدف از این حملات برای حذف فیزیکی آقای اسالو و سایر زندانیان سیاسی می باشد. پیش از این آقای منصور اسالو را به مدت ۱ هفته به سلول های انفرادی بند ۵ انتقال دادند. انتقال آقای اسالو به دستور کرمانی رئیس اطلاعات زندان گوهردشت صورت گرفته بود".

جمهوری بربرمنش و ضد بشر اسلامی فعالین کارگری و همه آزادیخواهان در سراسر ایران را دسته دسته به اسارت گرفته و به زندان می افکند. قلمها را می شکند، حق آزادی بیان، اندیشه و انتخابات را سلب می کند، مبارزه کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و روشنفکران... را سرکوب و این تشدید خفقان را به بهانه فشار امپریالیست ها و "انقلاب نرم" توجیه می کند. این نخستین بار نیست که رژیم ضد کارگری و سرمایه داری جمهوری اسلامی دست به این اقدام کثیف و آزار و اذیت و پرونده سازی علیه منصور اسالو زده است. جمهوری اسلامی از روی ضعف و استیصال و برای زهرچشم گرفتن از مبارزین کارگری و خانه نشین کردن آنها به بازداشت و ترور و ارباب فعالین کارگری متوسل می گردد تا از این طریق مانع رشد جنبش و تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری گردد. جمهوری اسلامی هم چنان که تا کنون عمل کرده است بقای منحوس خویش را در سرکوب وحشیانه و ضد انسانی کارگران و زحمتکشان می بیند. حزب کار ایران (توفان) ضمن محکوم کردن سوء قصد به جان منصور اسالو، رهبر کارگران سندیکای شرکت واحد اعلام می دارد که رژیم جمهوری اسلامی مسئول هر گونه اتفاق ناگوار در زندان برای منصور اسالو است و حزب ما از همه سازمانها و احزاب مترقی و انسان دوست بین المللی صمیمانه می خواهد که با محکوم کردن ضرب و شتم و سوء قصد به جان منصور اسالو که تنها جرمش دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان است آزادی فوری و بی قید و شرط وی و همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی را طلب کنند. تنها در سایه تشدید مبارزه و پیکار بی امان و متحدانه کارگران در سطح ملی و بین المللی است که می توان توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری و نیروهای ترقی خواه را درهم شکست. رژیمی که پاسخ نان، کار، آزادی بیان و تشکل کارگران را با چنین شیوه های فاشیستی و سرکوبگرانه دهد، فرجامی جز مرگ و نیستی در انتظارش نخواهد بود.

آزادی فوری و بی قید و شرط منصور اسالو و همه زندانیان سیاسی
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

حزب کار ایران (توفان)

۵ اسفند ۱۳۸۸

* * * * *

به مناسبت درگذشت کارگرمبارز یدالله خسروشاهی

یدالله خسروشاهی، کارگر مبارز و یکی از بنیانگذاران سندیکای کارگران صنعت نفت در ۱۳۴۹ خورشیدی و از رهبران جنبش اعتصابی کارگران صنعت نفت در آستانه انقلاب بهمن ۵۷، در ۱۵ بهمن ۸۸، ۴ فوریه ۲۰۱۰ در لندن به درود حیات گفت. یدالله خسروشاهی به خاطر فعالیت های خستگی ناپذیرش در دفاع از حقوق کارگران سال هائی از عمرش را در زندان های رژیم های منفور و ضد کارگری سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی گذراند و مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار گرفت.

یدالله خسروشاهی پس از آزادی از زندان در سال ۶۵ خورشیدی و آنجا که دیگر امکان ادامه مبارزه در ایران برایش مقدور نبود از کشور خارج گشت و مبارزاتش را در تبعید علیه جمهوری اسلامی ادامه داد و تا پایان عمرش به راه و آرمانش وفادار ماند. حزب ما درگذشت این کارگر مبارز و دلسوز را به خانواده، دوستان و سازمان اتحادیه بین المللی در حمایت از کارگران ایران که وی یکی از اعضای برجسته اش بود، تسلیت می گوید و یادش را گرامی می دارد.

حزب کار ایران (توفان)

فوریه ۲۰۱۰

www.toufan.org

toufan@toufan.org

**پیوند جوانان، زنان، روشنفکران با طبقه کارگر از شرایط
پیروزی بر نظام است**

در حاشیه بحران یونان

بحرانی که جامعه سرمایه‌داری یونان را در بر گرفته است اتفاق نیست، یک بیماری مزمن سامان سرمایه‌داری است و به فلاکت توده‌های مردم منجر می‌شود. کارل مارکس در اثر جاودانی و علمی خویش "سرمایه" این تناوب بحران‌ها را پیشگویی کرده است و راه برون رفت از این بحران‌ها را برای آن که منجر به نابودی بشریت نشود نشان داده است. یا بشریت قادر خواهد شد این هیولا را سر ببرد و یا بربریت تمام جامعه بشری را فرا می‌گیرد.

علل بحران یونان ناشی از سیاست نئولیبرالی اتحادیه امپریالیستی اروپاست که با شکست کاملی روبرو شده است. بر اساس این سیاست باید همه چیز خصوصی می‌شد. حتی حفظ ناموس عمومی را هم خصوصی کردند. همه دستاوردهای زحمتگشان را حتی تا آن حدی که خطوط اساسی تولید و نیازمندی‌های عمومی در دست دولت حتی دولت بورژوائی باقی بماند، این رهنان و دزدان دریایی در خدمت کنسرن‌ها و بانک‌ها و بیمه‌ها بر باد دادند. پست خصوصی شد، قطار خصوصی شد، ادارات برق و آب خصوصی شدند، ادارات دولتی به صورت شرکت‌های خصوصی در آمدند. وزارت کارایی خصوصی شد، امور امنیتی بخشاً خصوصی شد، همه چیز را خصوصی کردند و به دست گانگسترهای سرمایه داده‌اند تا بی توجه به امور بهداشتی و حراست از جان مردم به سرمایه‌های خویش به افزایش بمانند. جایی نیست که دست تجاوزکار شرکت‌ها و سرمایه‌های خصوصی به آنجا نرسیده باشد. شرافت را هم خصوصی کردند. همین خصوصی طلبان که سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را در خدمت سرمایه جهانی مورد حمایت و تأیید قرار می‌دادند، همین اوباشان سرمایه‌داری که با دستکش‌های سفید و پاپیون‌های "حقوق بشر" و "دموکراسی" و "آزادی" به سوداگری مشغول بودند میلیون‌ها نفر از مردم زحمتکش یونان را تا کنون بی خانمان کرده و حقوقشان را نقض کرده‌اند. حداقل امکانات زندگی از مردم گرفته شده است. حال که کار کلاهبرداری و رقابت بین خود آنها به بن بست رسیده است به پا در میانی دولتمردان نیاز دارند تا این غریق‌ها را دوباره به ساحل نجات برسانند و از غرق شدن و مرگ آنها جلوگیری کنند. حال همه آنها دست به دامان دولت شده‌اند که تا کنون آن را نشانه کمونیسم و سوسیالیسم می‌دانستند و در تبلیغات گوشخراش و سراپا به دروغ آلوده خویش نکوهیده جلوه می‌دادند. در همین دوره نظم نوین جهانی و جهانی شدن سرمایه بود که عملاً دولت‌ها فقط به کارگذار انحصارها و کنسرن‌ها و سرمایه‌های کلان بدل شدند. حقوق ابتدائی مردم را به زیر پا گذارند، دستاوردهای دموکراتیک و اجتماعی را لگدمال کردند، انسان‌ها را به برده‌های مدرن بدل نمودند و شیرازه جوامع در حال رفاه را از هم پاشیدند. فقر امروز در یونان با سرعت سرسام آور در حال گسترش است و کارشناسان اقتصادی از ورشکستگی مطلق اقتصادی یونان سخن می‌گویند. این تازه آغاز کار است. افزایش بیکاری به کابوسی در جامعه تبدیل شده است. اعتراضات درخشان کارگری و تظاهرات‌های خیابانی جوانان و عموم مردم در یونان، بورژوازی اعم از سوسیال دمکرات‌ها و بورژوا لیبرال‌ها را به وحشت مرگ انداخته است. در یونان میدان جدیدی برای تشدید مبارزه طبقاتی باز شده است. باید رویزیونیست‌های یونان را که به عنوان آتش نشانی انقلاب عمل می‌کنند به شدت افشاء کرد و طبقه کارگر را با روحیه انقلابی و ضد سرمایه‌داری تربیت نمود. این وظیفه‌ای است بر دوش رفقای مارکسیست لنینیست یونان که سال‌هاست احیای حزب کمونیست انقلابی را در دستور روز قرار داده‌اند و فعالانه در جهت تحقق این امر مقدس کمرهمت بسته‌اند. برای آشنائی خوانندگان گرامی با مواضع این رفقا در مورد اوضاع یونان. به ترجمه اعلامیه‌ای که که این رفقا اخیراً انتشار داده‌اند مبادرت می‌ورزیم به این امید که گامی ولو کوچک در مورد افشای حقایق اوضاع یونان از زبان مارکسیست لنینیست‌ها برداشته باشیم.

هنیت تحریریه

مارس ۲۰۱۰

اعلامیه جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان، (۵۵-۱۹۱۸)

KKE در مورد اوضاع کنونی

دولت بورژوائی پازوک (PASOK) برای "تمام کردن کار" به قدرت رسیده است



جنبش بازسازی حزب کمونیست یونان، (۱۹۵۵-۱۹۱۸) KKE از اعلام نتایج انتخابات اخیر (سپتامبر ۲۰۰۹) تا کنون تأکید کرده است که دلایل شکست حزب پادشاهی - فاشیست "دمکراسی جدید" (New Democracy, ND)، وخامت اقتصادی ناشی از اجرای سیاست‌های نئولیبرالی این حزب و دزدی سرمایه‌های عمومی و کلاهبرداری می‌باشد. ورشکستگی اقتصادی یونان قبل از بحران مازاد تولید کنونی در سیستم سرمایه‌داری یک واقعیت عینی بود. مسلماً پس از فرا رسیدن بحران کار به بن بست رسید و دولت "دمکراسی جدید" را به شکست نهائی کشاند.

ورشکستگی اقتصادی کنونی نه مجازی است و نه دروغ پردازی و یا شایعه پراکنی. این ورشکستگی نوعی "حقه" و "لولوی ساخت کلاغ‌های سرمایه خارجی" نیست. این وضعیت یک "خطر سازی برای ارباب مردم" نیست بلکه بر عکس، یک حقیقت عینی و واقعیتی خشن برای کشور است. با نگاهی به سطح وحشتناک کمبود بودجه، بدهی عمومی، رباخواری با نرخ بهره بالا که مختص اقتصادهای ورشکسته است، سفته بازی، نظارت تحمیلی استعمارگونه از طرف سرمایه مالی جهانی و افت مداوم بازار بورس می‌توان این مسئله را به سادگی دید. همه اینها واقعیت‌اند که نتایج ویرانگر برای زندگی توده‌های کار و قشر فقیر جامعه به همراه دارند. هم اکنون کشور در معرض خطر

الف- رباخواران و بورس بازان بین المللی

ب - دلالات اتحادیه اروپای امپریالیستی

پ- وابستگی نو استعماری

قرار دارد.

حزب بورژوائی پازوک (حزب سوسیالیست پازوک - توفان) به بازار آمده تا "کار را تمام کند" و ورشکستگی اقتصادی را از طریق انتقال آن به طبقه کارگر و دهقانان فقیر و متوسط و قشر پائین جامعه مدیریت نماید. به طور ناگهانی و با به کارگیری دکترین شوک، تمام اطلاعاتی که شرایط اقتصادی جامعه را بیان می‌کردند و برای سال‌ها مخفی نگه داشته شده بودند را به بیرون درز داده و آن را با لحنی دراماتیک پوشش می‌دهند. امپریالیست‌ها (از اتحادیه اروپا تا صندوق بین المللی پول) به همراه نوکران داخلی شان بعد از آن که دار و ندار مردم را به جیب زدند و اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشاندند حالا بر سر این که چه کسی کنترل شرایط را به دست بگیرد با هم مشاجره می‌کنند. آنها از قربانیان آن سیاستی که این ورشکستگی را به بار آورد می‌خواهند تا برای غلبه بر وضع وخیم اقتصادی یک بار دیگر هزینه آن را متقبل شوند و قول می‌دهند که بعد از بهبود شرایط، بعضی‌ها لقمه‌ای دریافت خواهند کرد تا بتوانند در آینده مجدداً قربانی شوند. مشاجرات بر سر اجرای سیاست‌های زیر می‌باشد.

یا کاهش مستقیم دستمزدها و یا "معوق کردن پرداخت حقوق‌ها" - هر کدام از این سیاست‌ها قدرت خرید مردم را به شدت کاهش می‌دهد.

مالیات گذاری بر روی نصف درآمدهای بدون مالیات - درآمدهائی که همین الان ناچیز هستند چه برسد بعد از کسر مالیات - مسلماً این سیاست، درآمد مردم را کاهش خواهد داد.

افزایش بیکاری، نه تنها بدون برخورداری از قانون حفاظت کار بلکه برعکس، آزاد گذاشتن دست مدیران در اخراج کارگران - همان طوری که سرمایه‌داران همیشه مطالبه می‌کنند - حتی بدون ذره‌ای برخورداری از قانون حفاظت اجتماعی با استثنای این که بعضی از بیکاران کوین دریافت کنند - بخششی وقیح و زنده که مستقیماً از زباله دانی سرمایه‌داران بیرون می‌آید.

افزایش مداوم هزینه زندگی منجمله افزایش قیمت مایحتاج عمومی، افزایش مالیات بر سوخت، مالیات غیر مستقیم، و مطمئناً افزایش مالیات بر قیمت (VAT) کالاهای مورد نیاز عمومی "ارزان" قیمت. ضربه زدن به سیستم بیمه‌ها و کاهش بیمه پزشکی و بهداشتی در حالی که خود مردم زحمتکش هزینه این بیمه را پرداخت کرده‌اند. سیاست جدید دولت و اعلان آشکار این که سن بازنشستگی به ۶۷ سالگی تغییر خواهد کرد. تخریب مؤسسه نظارت بر مشاغل سخت و غیر بهداشتی که ادعا می‌شود وجود آن غیر ضروری و ناصحیح است. (باید تذکر دهیم که شغل پرستاری هنوز در ردیف این مشاغل قرار ندارد) از طرف دیگر باز گذاشتن دست سرمایه‌داران در تصرف بیمه پرداختی کارگران که به همراه کلاهبرداری‌های دولتی کل سیستم بیمه را به این فاجعه کشانده است.

علیرغم آن که ورشکستگی اقتصادی یک حقیقت است و دقیقاً به همین دلیل طبقه کارگر و مردم زحمتکش باید فعالانه بر علیه این اقدامات جدید که همگی مخرب‌اند مقاومت کنند و با اعتصابات توده‌ای و متحدانه بخواهند که:

صاحبان صنایع و بانکداران و همه سرمایه‌داران که از پرداخت مالیات طفره می‌روند و به طور غیر قانونی و تحریک آمیز بیمه پرداختی مردم را به جیب خود سرازیر می‌کنند، هزینه این ورشکستگی اقتصادی را از سودهای نجومی که کسب کرده‌اند، بپردازند، در صد مالیات روی کمپانی‌هایی که در دولت کارامانلیس از ۳۵٪ به ۲۵٪ تقلیل یافته است افزایش یابد، روی اموال بی حد و حساب کلیساها مالیات بسته شود، و روی آن چه که از حق بیمه کارگران باقی مانده است دست درازی نشود.

تعامل و توافق عمومی آن طوری که رهبران سوسیال دمکرات KE-SYN "K" (حزب رویزیونیست یونان و حزب چپ نو یونان - توفان) موعظه می‌کنند و به نخست وزیر در مورد پیش‌گیری از خطر یک طغیان عمومی را گوشزد می‌کنند، محلی از اعراب نخواهد داشت. بلکه برعکس، اقشار آسیب دیده، طبقه کارگر، دهقانان فقیر و متوسط، و جوانان این طغیان عمومی را با مبارزه متحد خود نه فقط "قهرمانانه" بلکه هم چنین مؤثر عملی خواهند ساخت.

هزینه بحران و ورشکستگی کشور را باید مسبب بحران بپردازند و نه مردم فقیر!

جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان، (۱۹۱۸-۵۵) KKE

فوریه ۲۰۱۰

Anasintaxi.blogspot.com

Anasintaxi-en.blogspot.com



فراخوان حزب کار ایران (توفان) به همه احزاب برادر و بیش از ۵۰ تشکل کارگری در سراسر جهان در دفاع از حقوق کارگران ایران

سه اتحادیه مهم مستقل کارگری - سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، و اتحادیه آزاد کارگران - در ایران نامه مشترکی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال داشته‌اند و در آن از هفتمین اجلاس دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر خواسته‌اند که وضعیت کارگران و مطالبات آنها برای یک زندگی شرافتمندانه و عاری از هر نوع سرکوب و ارباب مورد بررسی قرار گیرند. در این نامه، این سه نهاد کارگری اعتراض خود بر علیه رفتارهای غیر انسانی جمهوری اسلامی ایران با کارگران را بیان داشته‌اند و شرایط وحشتناک اقتصادی مردم ایران به ویژه کارگران را توضیح داده‌اند و خواست‌های حداقل خود را که شامل موارد زیراند مطرح نموده‌اند.

- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل‌های کارگری
- آزادی بی قید و شرط تجمع، اعتصاب، و تظاهرات
- آزادی فوری کلیه فعالین کارگری
- برابری کامل حقوق زن و مرد در محیط کار و تمامی عرصه‌های زندگی
- لغو کلیه اشکال کارکشی از کودکان

حزب کار ایران (توفان) از این مطالبات عادلانه دفاع نموده و تمامی احزاب و سازمان‌های مارکسیستی-لنینیستی برادر، انسان‌های مترقی و فعالین کارگری را فرا می‌خواند که بر علیه رفتار خشن و ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی ایران با کارگران، اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری رهبران سرشناس کارگری آقایان منصور اسالو، ابراهیم مددی، علیرضا ثقفی و علی نجاتی شوند.

حزب کار ایران (توفان)

فوریه ۲۰۱۰

WWW.Toufan.org

Toufan@toufan.org

زنده باد همبستگی بین المللی!

توفان شماره ۱۲۰ اسفند ماه ۱۳۸۸

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضدانقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولترین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین

حزب کار ایران (توفان) در فیس بوک

Skapa

Toufan HezbeKar



آدرس اینترنتی: www.toufan.org

آدرس تماس: toufan@toufan.org